


جلسات شرح و تفسیر



سجاتیہ

حجت الاسلام و المسلمین
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای بیست و چهارم (دعایی برای والدین) / جلسه ۶۲

۱۳۹۳ / ۰۷ / ۰۷

فهرست

- دهه‌ی ذکر
- همراهی با راهیان کوی دوست
- دو دعا برای والدین
- بهسازی رابطه فرزند و والدین در پرتو دعا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

■ دهه‌ی ذکر

این روزها و شب‌ها، روزها و شب‌های فوق‌العاده و ممتاز در برقراری ارتباط با خدای متعال، کسب رتبه‌های معنوی و رفع موانع محسوب می‌شود. روزهای این ایام در قرآن کریم ایام معلومیات معرفی شده است: «يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» نام خدا را در روزهای معلومی ببرند. در روزهای شناخته‌شده که دهه‌ی اول ماه ذی‌الحجه است، خدا را یاد کنید. ذکر همیشه مطلوب است، اما وقتی برای ایام خاصی تأکید بشود، معلوم می‌شود که در آن ایام ظرفیت‌های متفاوتی تعبیه شده است برای اینکه انسان سهم خودش را از یاد پروردگار متعال، فضل، رحمت و مغفرت الهی به شکل متفاوتی برداشت کند. اینکه ما خدای متعال را یاد کنیم، در واقع سبب و راهی است به سوی فضل و رحمت و مغفرت پیکران پروردگار متعال که فرمود: «اذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ؟» مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم. در کلمه‌ی «اذْكُرْكُمْ» بی‌انتها و بی‌نهایت عنایت و لطف الهی گنجانده

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ». عطش حج را داشته باشد و وجودش سرشار از اشتیاق نسبت به حق باشد. این قدر حج مهم است که باید جزء درخواست‌های اول شب‌های قدر انسان مؤمن قرار بگیرد. خوشا به حال آنهایی که مشرف هستند و انشاءالله آتش اشتیاقش در دل‌های ما روزافزون باشد و خدای متعال در بهترین حالات، در اوج معرفت و اشتیاق و ابتهاج، این لطف خودش را شامل حال ما بکند. اما اگر به هر دلیلی کسی مشرف نشد و شرایط برایش مهیا نشد، چطور؟ آیا محروم است؟ نه، بلکه از ضیافت زمان بهره‌مند هستند. اگر در آن مکان برگزیده نیستند، ولی در زمان برگزیده هستند. قرآن کریم فرموده است که این روزها، روزهای برگزیده‌ای است، شما این روزها را قدر بدانید و ذکر داشته باشید. شب‌های این مقطع زمانی در تقرب به حضرت حق و کسب انوار ملکوتی و توسعه‌ی ظرفیت‌های معنوی و گسترش درد جاودانگی و اشتیاق معنوی، آن قدر فوق‌العاده است که خدای متعال به آن سوگند خورده است: «وَالْفَجْرِ، وَ لَيْالٍ عَشْرٍ؟» سوگند به سپیده‌دم، و به شب‌های دهگانه. مکرر در روایات ما آمده که از مصادیق برگزیده‌ی «لَيْالٍ عَشْرٍ»، همین

شب‌های دهه‌ی ذی‌الحجه الحرام است. این شب‌ها مهم است؛ زیرا با اینکه موسی بن عمران (عَلَى نَبِيِّنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام) شبانه روزشان در میقات بود، خدای متعال وقتی می‌خواهد از آن میاقت شبانه‌روزی سخن به میان بیاورد، از شب‌های آن سخن به میان می‌آورد: «وَ اَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ؟» و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. این تتمیم که مربوط به این دهه است، معنایش این است که این شب‌ها به این روزها شرف دارند. یعنی روزها اگر شرفی دارند، از این شب‌ها بهره‌مند شده‌اند. ما باید این را قدر بدانیم و استفاده کنیم. علاوه بر اینکه اگر انسان اهل مراقبت باشد، باید از نظر معنوی هم با حجاج بیت الله الحرام همسفر شده، به لحاظ روحی در آن اماکن مقدس حضور پیدا کند. خدای متعال چنین کسی را در اعمال و مناسک حجاج و در پاداش‌هایی که به آنها می‌دهد، سهیم می‌کند. شرطش این است که ما خودمان را با آنها قاطی کنیم. چطور؟ وقتی که شما با مراقبت ایام و لیلی این دهه از نظر روحی با آنها هم‌افق بشوید، از نظر مقصد، توجه به خدای متعال و از نظر روحی و عاطفی با آنها همراه باشید، آنگاه با

آنها شریک هستید. انسان از نظر روحی و عاطفی چطور با حجاج بیت الله الحرام همراه می‌شود؟ به این ترتیب که شما برای موفقیتشان دعا کنید. برای مثال عزیزی که در سفر است، شما به فکرش هستید که او الان چه کار می‌کند، کجا هست، بعد برایش دعا می‌کنید، دغدغه‌اش را دارید، نگرانش هستید، برایش صدقه می‌دهید. به این همراهی از نظر عاطفی می‌گویند. به من و شما هم این فرصت را دادند که بین نماز مغرب و عشاء دو رکعت نماز مخصوص را به یاد آن میقات موسوی بخوانیم تا شوق به ملاقات پروردگار متعال در دل‌های ما هم زنده بشود و به این ترتیب، ما در پاداش حجاج بیت الله الحرام سهیم باشیم. دیگر بهتر از این چه می‌خواهیم؟ از این فرصت باید همه جوهر استفاده کنیم. در روایت پیامبر اعظم (صلى الله عليه و آله و سلم) برای این دهه تعبیر خیلی عجیبی وارد شده است. آن حضرت فرمودند: هیچ روزی در روزهای سال از نظر انجام عمل صالح نزد خدای متعال محبوب‌تر از دهه‌ی اول ذی الحجه نیست. محبوب‌ترین فرصت‌ها نزد خدای متعال چنین ایامی است؛ لذا انسان باید خیلی قدرش را بداند. انسان باید با حجاج بیت الله الحرام

الحجه‌اش نگاه کنید. آن وقت برخورد ما یک برخورد عادی نخواهد بود. وقتی پرده برداشته می‌شود، انسان می‌گوید: «رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهادم کار نیکی انجام دهم». به اندازه‌ی یک عمل صالح به من وقت بدهید به دنیا برگردم. نقل شده که جناب ادریس (علی نبینا و آله و علیه السلام) وقتی می‌خواست از دنیا برود، از رفتن استقبال نمی‌کرد. حضرت قابض الارواح (علیه السلام) از او پرسید: چرا ناراحتی؟ گفت: من ناراحت این هستم که دیگر نمی‌توانم نماز بخوانم. از بس به لحظات اتصال به ساحت قدس ربوبی شدیدالاشتیاق بود، وقتی می‌خواست بدرود حیات گوید، چنین حالتی به او دست داد. ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد از فرصت باقیمانده‌ی دهه‌ی ذی الحجه استفاده کنیم. کار را برای ما خیلی آسان کردند. یک دعا از امام صادق (علیه الصلاة والسلام) در دسترس ما است که فرمودند این دعا را هر روز بعد از نماز صبح و قبل از نماز مغرب بخوانید. با این تعبیر شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا ...» و چه دعای نغزی است! چه نام‌های زیبایی از پروردگار متعال در این متن

برگزیده آمده است! قالب‌های ذکری در اختیار ما گذاشته شده است که ما فقط باید آن را بخوانیم. یا تهلیل‌هایی که از امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) وارد شده و خیلی جذاب و تکان‌دهنده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَاللَّهْوَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيحِ فِي الْبَرَارِيِّ وَالصُّخُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ». این تهلیل‌ها، یعنی «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»‌هایی که اینجا جمع شده، ده‌تا است. از شما هم خواسته شده که ده‌بار بگویید که می‌شود تهلیلات صدگانه با این مضمون بسیار زیبا که حس خیلی عجیبی دارد. این تهلیل‌ها ما را به شبکه‌ی عظیم آفرینش و نمادهایی از آن که پیرامون ما است، متصل می‌کند و همراه با آنها در وضعیت توحیدی قرار می‌دهد. یا آن جملات نورانی که از طریق خدای متعال به وسیله‌ی جناب جبرئیل امین (علیه السلام) برای حضرت عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیه السلام) هدیه آورده شده است. آنها هم خیلی جذاب است. فرمودند اینها را بگویید تا از طریق این کلمات توجه پیدا بشود. تمام این مطالب، در یک نکته خلاصه می‌شود. آن نکته‌ی اساسی هم عبارت است از اینکه انسان، مخصوصا

در این ایام، این توجّهات توحیدی را در خودش تقویت کند؛ البتّه برای یک سال ان‌شاءالله توشه است. لذا دعای فوق العاده‌ای که از سیدالشهدا (علیه الصّلاة و السّلام) برای روز عرفه وارد شده، سراسر توحید و عرفان ناب است. یا دعایی که از حضرت سیدالسّاجدین (علیه الصّلاة و السّلام) در صحیفه‌ی مبارکه‌ی نورانی روایت شده و خیلی فوق العاده و عجیب است. مملو از حقایق توحیدی و معارف ناب می‌باشد. اصلاً تمام این دستگاہ‌های پیچیده‌ی ادراکی را خدای متعال عزیز کریم‌مان در وجود ما قرار داده برای اینکه به چنین حفظ و بهره‌هایی برسیم. بقیه‌اش که بهانه است و خبری در دنیا نیست. در این دنیا به چه آگاهی‌هایی می‌خواهیم برسیم؟ آنها چه رتبه‌ای دارند؟ تمام درس‌هایی که می‌خوانید و چیزهایی که در حوزه و دانشگاه و دبیرستان یاد می‌گیرید، چه بخشی از فلسفه‌ی وجودی این فاهمه و این قوه‌ی درآکھی انسان را تأمین می‌کند؟ اگر بخوایم مثال بزنم، کل چیزهایی که ما می‌آموزیم و یاد می‌گیریم و مباحثه می‌کنیم و به عنوان دانش و علم بشری راجع به آن صحبت می‌شود و میلیون‌ها کتاب و نوشته و اثر و میراث علمی بشر درباره‌اش وجود دارد، همه‌ی

اینها اگر به دست عقل انسان برسد، از مجموعه اندام‌های فاهمه‌ی شما، به اندازه‌ی فقط یک جوراب، آن هم تا پاشنه‌ی پایتان محسوب می‌شود. یعنی چنانچه کل چیزی را که از دانش در اختیار بشر است به شخص جنابعالی بدهند، و فرض کنیم اندام‌های عقلی شما مثل جسم شریف شما باشد، تازه می‌شود به اندازه‌ی جورابی که تا مچ پا را پوشش می‌دهد. آن چیزی که به این اشتباه فطری و عقلی پاسخ می‌گوید، فقط و فقط توحید ناب است. این چیزها را باید یاد بگیریم، ارزش و کارگشایی هم دارد؛ ولی مقصد نیست. مقصد چیز دیگری است. مقصد معرفت الله تبارک و تعالی است؛ آن هم یک معرفت توحیدی ناب که از طریق امینش به ما رسیده است. لذا حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود که خداوند فرمود: «كَلِمَةٌ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ کلام لا اله الا الله، دژ و حصار من (خدا) است. پس هر کس به دژ و حصار من داخل شود، از عذاب من امنیت خواهد یافت». بعد حضرت فرمودند: «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ شروطی دارد و من یکی از آن شرط‌ها هستم».^۷ حضرت سیدالشهدا، اباعبدالله الحسین (علیه الصّلاة و السّلام) یکی از

شروط هستند. حضرت سیدالشهدا، هم ولایتش شرط است و هم رسیدن به حقایق ناب توحیدی و عرفانی از طریق او است. او باید دست شما را بگیرد. با مناجات عرفه، اباعبدالله دست شما را می‌گیرد و در حصن توحید می‌برد. وجود اقدس حضرت سیدالسّاجدین (علیه السلام) دست شما را می‌گیرد و در حصن توحید قرار می‌دهد. مقصد آنجا است، اشتباه نکنیم و غافل نشویم. لذا برای من خیلی شیرین است که می‌بینم برای این ایام برگزیده، وقتی می‌خواهد ذکر را در اختیار ما قرار بگیرد، از طریق سید الاوصیاء، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه افضل صلوة المصلین)، ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در دسترس ما قرار می‌گیرد.

■ دو دعا برای والدین

«اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدْنَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لُهُمَا مِنْ حَقٍّ فَأَجْعَلْهُ حَطَّةً لَذُنُوبِهِمَا، وَ عَلَؤاً فِى دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِى حَسَنَاتِهِمَا»، این قسمت دعا خیلی عالی و زیبا است. ما دو فرزند از دعای بیست و چهارم داریم که درباره‌ی پدر و مادر است. این دو فرزند در کنار هم و مکمل هم هستند. اما فرزند اول با این جمله شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي

مِنْ أَدْنَى» و تا «يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ» تمام می‌شود. این فرزند اول است. فرزند دوم هم بلافاصله با این تعبیر شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ» و تا کلمه‌ی مبارکه‌ی «يَا رَبِّ» تمام می‌شود. مطلب این دو فرزند چیست؟ مطلب اول این است که در مسیر تربیت و زندگی من از ناحیه‌ی من نسبت به پدر و مادر ناراحتی‌هایی رخ داده است. در همان تعبیر اول حضرت می‌فرماید: من احياناً آنها را اذیت کردم و آنچه که اینها از ناحیه‌ی من رنج دیدند، آزار دیدند و ناراحتی کشیدند، ای خدا، تو که «مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ» هستی، این بدی‌های مرا تبدیل به حسنات کن و به آنها هدیه بده. خیلی زیبا است! امام سجّاد باید بیاید به میدان تا این افق‌ها گشوده بشود. این فرزند اول است. اما فرزند دوم برعکسش است. برعکسش این است که در مسیر رشد و تربیت و زندگی من ممکن است از سوی پدر و مادر درباره‌ی من هم بدی‌هایی رخ داده باشد. البتّه اینجا امام به نقطه‌ای می‌رسند. امام آن قدر این تعبیر را مؤذبانه مطرح می‌کنند که انسان حفظ می‌برد. می‌فرمایند: اگر احياناً از ناحیه‌ی آنها به من بدی صورت گرفته، کم و کاستی، تضييع حقّی شده

است، خدایا اولاً من گذشت می‌کنم و از تو می‌خواهم تو هم بگذری. یعنی بین من و پدر و مادرم چیزی نباشد. «اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مَنِّي مِنْ أَدْنَى» اذیت در تعبیری که ما داریم، معمولاً به ناراحتی‌های ریز و کوچک اطلاق می‌شود. «وَمَا مَسَّهُمَا مَنِّي مِنْ أَدْنَى الْمَكْرُوهِ الْيَسِيرِ أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ». «خَلَصَ» یعنی «وَصَلَتْ» و «مَكْرُوهٍ» یعنی رنج و ناراحتی بیشتری از سوی من به ایشان رسیده است. «أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ» یا اینکه نزد من حقی از حقوق آنها تضييع شده باشد و من حَقشان را ادا نکرده باشم. این سه فرض را امام (علیه السلام) اینجا می‌آورند. پس اول، «مَسَّهُمَا مَنِّي مِنْ أَدْنَى» دوم، «خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ»، که مرحله‌ی بالاتری است؛ سوم، «ضَاعَ قَبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ»، باز یک مرحله بالاتر است. یا یک اذیت کوچک، یا ناراحتی بزرگتر، یا احیاناً من حقی از آنها را تضييع کرده باشم. اینجا وضعیتی خطرناکی است. البته پدر و مادرها، بزرگوار و دوستدار فرزند هستند. از بچه‌هایشان می‌گذرند و حلال می‌کنند؛ اما بالاخره اینها چیز بزرگی است. شما اگر فکر کنید می‌بینید که بعضی از این رنج‌ها و ناراحتی‌ها که پدر مادرها درباره‌ی

بچه‌هایشان تحمّل می‌کنند، به صورت طبیعی اتفاق می‌افتد. شما بروید از همان نوزادی و قبلش شروع کنید و بیابید جلوتر. دائماً پدر و مادر از دست بچه ناراحتی می‌کشند. به شکل طبیعی چالش‌های مسیر رشد، بیماری‌ها و ناراحتی‌هایی که در مسیر پیش می‌آید. در ابتدا فرزند ضعیف است و نمی‌تواند از خودش جلب منفعت و دفع ضرر کند، یک جور پدر مادر اذیت می‌شوند. کمی که بزرگتر شد، ادعای استقلال و تشخص می‌کند. این وقتی است که از کودکی به دوران جوانی منتقل می‌شود و یک جور اذیت می‌کند. از شیطنت‌های دوران کودکی تا دوره‌ی جوانی و استقلال، فهرست عجیبی از ناملایمات برای پدر مادر ایجاد می‌شود. در قدیم هم و غم‌های پدر مادرها درباره‌ی بچه‌هایشان در مقطع جوانی کاهش پیدا می‌کرد و تقریباً از بین می‌رفت. حالا که دوره‌ی جوانی کش‌دار شده، این اذیت صد برابر می‌شود و ادامه پیدا می‌کند. قدیم این‌طور بود که بچه در اوایل جوانی مشغول ازدواج و کار می‌شد و روی پای خودش می‌ایستاد. اما حالا وقتی بچه‌ها به سن جوانی می‌رسند، والدین می‌گویند کاش اصلاً بزرگ نشده بود. حداقل ما یک فرم

دیگر از دست او حرص می‌خوریم. حالا این دختر خانم، این آقا پسر بزرگ، به اسم اینکه من دانشجو هستم و دارم تحصیلات می‌کنم سربرار خانه است. تازه عرض کردم که قیافه هم می‌گیرد، این هم جزء زندگی جدید است. حالا اگر، به خدا پناه می‌بریم، یک خرده اعوجاج‌ها و انحرافات هم داشته باشد، یعنی سوء خلق داشته باشد یا مثلاً انحراف اخلاقی، پدر و مادر بیچاره در آستانه‌ی دق به تمام معنای کلمه است. وقتی به بچه‌اش فکر می‌کند می‌خواهد سکنه کند، سعی می‌کند اصلاً فکر نکند. حالا ما اینجا را به شکل معمولیش توصیف کردیم. اگر یک کسی اذیت کننده‌ی پدر مادر باشد و حق آنها را هم تضييع کند، وای به حالش. حالا به این چیزهایی که من گفتم شما یک جمله را هم اضافه کنید و آن جمله آرمان‌ها و آرزوهای یک پدر مادر برای فرزندش است. همه اینها در کنار هم که قرار می‌گیرد، در قلب پدر و مادر داریم تولید انواع و اقسام رنج‌ها و ناراحتی‌ها می‌کند. حقیقتاً بار سنگینی است. آن دغدغه‌ها، دلشوره‌ها، غصه‌ها، که بچه‌ها هیچ وقت نمی‌فهمند. این را هیچ وقت یک فرزند نمی‌تواند بفهمد که چه به روز پدر مادرش آورده تا حالا بزرگ

شده است. امام (علیه السلام) اینجا به ما یک مسیری را معرفی می‌کنند. خود این جملات یک یادآوری هست که حواسمان را جمع کنیم. نکند پدر مادر از ناحیه‌ی ما، حالا در این شرایطی که هستیم، احیاناً رنجی، آزاری، ناراحتی، اذیتی، مکروهی، نگرانی، چیزی برایشان پیش بیاید، این را مراقبت کنیم. چطور می‌شود جبران کرد؟ چطور امکان دارد؟ دوستان هیچ راهی برای جبرانش وجود ندارد جز مدد پروردگار متعال و خواستن از حضرت حق، والا کاری از فرزند در این بخش ساخته نیست. البته آن کاری که می‌کند این است که این دغدغه‌ها را علی‌العجاله برطرف کند؛ اما گذشته‌ها را می‌خواهد چکار کند؟ امام (علیه السلام) اینجا به ما آموزش می‌دهند، این همان نگرش توحیدی است. برو به ساحت قدس ربوبی، چنانکه در جمله‌ی قبلی حضرت آموزش دادند: «وَأَشْكُرُ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي» بگو من نمی‌توانم، من عاجزم، خدایا تو به من کمک کن، تو از آنها از سوی من قدرشناسی کن. اینجا هم می‌گوید خدایا از من ساخته نیست، تو «مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ» هستی، چنین کیمیاگری کار تو است. همه‌ی این فهرست طولانی از آزارها و اذیت‌ها و رنج‌ها و ناراحتی‌هایی که

از ناحیه‌ی من برای آنها پیدا شده، از تو می‌خواهم آنها را تبدیل کنی به حسنه، به خوبی، در نامه‌ی عمل آنها بنویسی. همه‌ی آن رنج‌ها به حسنات تبدیل بشوند. آن وقت امام (علیه السلام) با تفسیر بسیار زیبایی اینجا مطرح فرمودند؛ اول: «فَأَجْعَلُهُ حِطَّةً لِّذُنُوبِهِمَا» آنها بین خودشان و تو گناهی دارند، این اذیت‌هایی که از سوی من دیدند، اینها را کفاره‌ی آن گناهانشان قرار بده، باعث بشود که آن گناهانشان از عهده‌ی آنها برداشته بشود. دوم: «وَعَلَوْا فِی ذَرْجَاتِهِمَا» این را برای آنها از تفاع درجه قرار بده. سوم: «وَزِيَادَةً فِی حَسَنَاتِهِمَا» اذیت‌ها و آزارها و رنج‌هایی را که از ناحیه‌ی من دیدند، اضافه‌ای در نامه‌ی حسنات آنها قرار بده و برایشان حسنه بنویس. اینجا که حضرت رسیدند، این جمله را می‌گویند: «يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ»، این کار تو است، از کجا الهام می‌گیرند؟ از آن آیه‌ی کریمه که «وَلَوْلِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» کسی که توبه می‌کند، اگر توبه‌اش حقیقی باشد خدای متعال گناهانش را به حسنه تبدیل می‌کند. ما در قرآن کریم «مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ» نداریم؛ بلکه فرمود: «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند. این اسم

مقدس از آنجا استفاده می‌شود که: «يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ، بِأَضَاعِفِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ»؛ یعنی بدی‌ها را تبدیل به خوبی می‌کنی و چند برابر پاداش می‌دهی و همه‌ی آن رنج‌هایی را که از ناحیه‌ی من کشیده‌اند، برایشان تبدیل به حسنه کن. اما در فراز بعدی مسئله برعکس می‌شود. حقوق فرزند بر پدر و مادر خیلی حقوق سنگینی است. پدری به پسرش می‌گفت که اگر مثلاً فلان کار را بکنی من عاقبت می‌کنم. فرزند گفت: اگر تو این کار را بکنی من هم عوقت می‌کنم. خیال می‌کنی این جاده یک طرفه است، گفت اگر تو عاق کنی، من هم عوقت می‌کنم. پس حقوق فرزند هم محترم و بجا است. حقوق فرزند بر پدر مادر هم حقوق سنگینی است. یک عطیه‌ی الهی از عالم معنا در آغوش پدر و مادر قرار گرفته، این فرزند، حق دین اینها، ایمان اینها، برقراری ارتباط اینها با خدای متعال، حق بزرگی است که فرزند بر پدر و مادر دارد. خداشناسی‌شان، رشدشان، سلامتشان، سلامت دینشان، سلامت جسمشان، همه‌ی اینها حقوقی می‌شود که بر عهده‌ی پدر و مادر قرار می‌گیرد. امام (علیه السلام) ما را این سمت قرار

می‌دهند: «اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ» یعنی اگر آنها چون پدر و مادرند در ارتباطشان با من، با زبانشان، با سخنشان به من تعدی کردند و به خودشان اجازه دادند حرف‌هایی به من بزنند که نباید می‌زدند؛ «أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ»، یا در کارهایی که انجام می‌دادند از حد و مرزهای صحیح و اعتدال عبور کرده و گرفتار افراط و تفریط شده باشند؛ البته اخیراً این چیزها خیلی کم است. در قدیم یکی از مصداق‌های «أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ» کتک‌کاری‌های حسابی بود. زدن جزء شیوه‌ی تربیت بود. بچه‌ها هم در خانه کتک می‌خوردند، هم در مدرسه. مثلاً آقا معلم ما یک آقا پسر را که هیکل خیلی بزرگی داشت، مبصر کرده بود. مأموریتش هر روز این بود که او را می‌فرستاد از باغ کنار مدرسه یک ترکه‌ی تازه‌ی درخت آلبالو می‌کند و کنار دست معلم می‌گذاشت. او هم به کوچکترین بهانه‌ای بچه‌ها را می‌زد و خدا می‌داند اگر می‌زد به دست طرف چه حسنی پیدا می‌کرد. غرض اینکه معلم‌ها هم از پدر مادرها یاد گرفته بودند؛ زیرا در خانه‌ها کتک اصلاً مرسوم بوده است. «أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ» یک چنین فعلی داشت. این اسراف‌گری‌ها بیشتر از انواع

اسراف‌گری‌های تربیتی است. «أَوْ ضَيَّعًا لِي مِنْ حَقٍّ»، اگر از حق معرفت، حق ولایت، حق ایمان، به خاطر غفلت یا بی‌توجهی یا اینکه خودشان خوب تربیت نشده بودند، تزییعی صورت گرفته؛ «أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ» یا در مورد یک واجبی نسبت به من کوتاهی کرده باشند. واجبات اینجا معانی مختلفی دارد، از جمله می‌توانیم در این فهرست واجبات دینی را بیاوریم. در اینکه مثلاً من مؤدب به آداب دینی بشوم که واجباتم را انجام بدهم؛ در اینکه من نمازخوان بشوم؛ روزه بگیرم بشوم؛ یا حتی بعضی از واجباتی که درباره‌ی من بر عهده‌ی خود آنها بوده مثل اینکه به من نان حلال بدهند؛ راجع من کوتاهی کرده باشند. اگر این چیزها از طرف پدر و مادر درباره‌ی من اتفاق افتاده، «فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا»؛ من همه را به آنها بخشیدم. در دعای قبلی وقتی ما درباره‌ی دیگران صحبت می‌کردیم، گفتیم که اگر می‌خواهد انسان ارتباط خودش را با خدای متعال اصلاح کند، باید از دیگران بگذرد. حالا راجع به پدر و مادر باید با هزاران برابر آن را مطرح کرد. «فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ بَعْتِهِ

عَنْهُمْ» حالا من از آنها گذشت کردم و اصلاً در پیشگاه تو از آنها به خاطر این کم و کاستی‌هایی که درباره‌ی من روا داشته‌اند بازخواستی نخواهم کرد. امام اینجا به ما یادآوری می‌کند که حق الناس این طور است که اگر تو گذشتی، فقط یک طرف قضیه حل شده است. یک طرف دیگرش حق الهی است که باقی می‌ماند. ببینید چقدر جامع است، می‌گوید: «وَرَعِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمْ» خدایا از تو می‌خواهم که آن چیزی هم که بر عهده‌ی آنها باقی مانده از دوش آنها برداری. در این فراز یک جایی از جهت ادب خیلی اوج می‌گیرد: «فَأَنَّى لَا أَنَّهُمْ هُمَا عَلَى نَفْسِي»؛ من نسبت به آنها درباره‌ی خودم بدگمان نیستم؛ زیرا آنها پدر و مادر هستند و قصد بدی نداشتند. پدر مادر هیچ وقت بدی فرزندشان را نمی‌خواهند. پس من آنها را درباره‌ی خودم متهم نمی‌کنم و نمی‌خواهم بگویم آنها بدخواه من بودند. «وَلَا اسْتَبْطِئْتُهُمَا فِي بَرِّي» نمی‌گویم آنها در نیکی به من کم گذاشتند، «وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيْتَهُ مِنْ أَمْرِي» و نه اینکه من کارهای آنها درباره‌ی خودم را زیر سؤال ببرم و همه آنها را بد بدانم. این اوج ادب است. اینجا پس از آنکه از کمی و کاستی‌ها و تزییع حقوق و اسراف

و مثلاً بدزبانی و بدرفتاری از سمت پدر و مادر سخن به میان آمد، سریع شما را به مرز ادب می‌برد که نه، من آنها را متهم نمی‌کنم. من درباره‌ی آنها بدگمان نیستم و کارهای آنها را درباره‌ی خودم زیر سؤال نمی‌برم و با چه کلمه‌ای تمام می‌شود؟ «يَا رَبِّ». عالیت‌ترین اسمی که انسان بخواند خدای متعال را بخواند و با آن اسم همه‌ی لطف و کرم و مهر خدای متعال را حاضر کند، این کلمه است. پس بخش دوم این شد که من از تو می‌خواهم که از آنها بگذری و من هم هیچ توقع و خواسته‌ای از آنها ندارم.

■ بهسازی رابطه فرزند و والدین در پرتو دعا

در جملات بسیار نورانی در بخش دوم، امام (عَلَيْهِ السَّلَام) به شما وقتی که این دعا را می‌خوانید و پدر و مادر هستید، یادآوری می‌کند حق و حقوق سنگینی که درباره‌ی فرزند بر عهده‌ی شما است. ضمن اینکه امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) با این تعبیر لطیف و زیبا و با قرار دادن شما در این موضع عالی در پیشگاه پروردگار متعال، فضا سازی لطیف و زیبا و دوست داشتنی بین انسان و پدر و مادرش می‌کند. به این ترتیب بارتنان را

سبک می‌کند، دلتنان را خنک می‌کند، قلبتان را راحت می‌کند؛ چون انسان گاهی از پدر و مادرش گله‌مند است. امام (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌برد شما را در یک خط ارتباطی خاصی با خدای متعال و دل و جان شما را از این بار سنگین، سبک می‌کند. با خدا معامله می‌کنید، سبک می‌شوید. بعد همین شخص وقتی فردایش با پدر و مادرش روبه‌رو می‌شود، احساس دیگری دارد. این یک بهسازی ارتباطی است که در این دعا مطرح می‌شود.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به حق اولیائت، به حق مقربان درگاهت، به حق امام سجّاد، به حق این دعای نورانی، این دعا را از کلمه‌ی اول تا کلمه‌ی آخرش درباره‌ی پدر و مادرهای ما مستجاب بفرما. سوگندت می‌دهیم به حق محمد و آل محمد، همه‌ی پدر مادرهای ما در طول تاریخ را از این دعای ما بهره‌مند بفرما. تو را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد، ما را فرزندان شیسته برای پدر و مادرمان قرار بده؛ باعث نور چشمشان در دنیا و آخرت قرار بده؛ پدر و مادرهای ما را سرمایه‌های دنیا و آخرت برای ما قرار بده. تو را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد، ارواح مطهر شهدا، امام راحل عظیم الشان از ما راضی

بفرما. همه‌ی کسانی که به گردن ما حق دارند مشمول عنایت و لطف خودت در این ایام قرار بده. حجّاج بیت الله الحرام سفرشان را به سلامت و عاقبت بدار. اعمال و مناسکشان را مورد قبول درگاہت خودت قرار بده. حج امسالشان را باعث عزّت و شکوه اسلام قرار بده.



منابع و مأخذ:

۱. حج: ۲۸.
۲. بقره: ۱۵۲.
۳. فجر: ۱-۲.
۴. اعراف: ۱۴۲.
۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۵۹.
۶. مؤمنون: ۹۹-۱۰۰.
۷. اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰۸.
۸. فرقان: ۷۰.



افوغها؛ درنگی بر مسئلهٔ تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir | سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها، از نماز مغرب و عشاء



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر